

زبان فارسی و گویش‌های ایرانی

سال دوم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۳

توصیف دستگاه فعلی گویش کُرتَه رایج در قلعه گنج (کرمان)

سپهر صدیقی نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲

چکیده

قلعه گنج و رودبار جنوب از شهرستان‌های جنوبی استان کرمان، خاستگاه و گستره رواج گونه‌های منطقه‌ای گویش کُرتَه، از گروه گویش‌های بشاگردی و وابسته به خانواده گویش‌های ایرانی جنوب غربی هستند. این گویش به لحاظ جغرافیایی در نقطه مرزی رواج خانواده زبانی خود و محل برخورد آن با گروه گویش‌های بلوچی مکرانی، از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی واقع گردیده و علی‌القاعده، از حیث مختصات زبان‌شناختی نیز حلقه پیوند این دو خانواده زبانی محسوب می‌گردد. از منظر هم‌زمانی و براساس تحلیل پیکره زبانی مستخرج از گفتار دو زن و سه مرد ۳۵ تا ۷۸ ساله و کم/بی‌سواد کُرتَه‌زبان، پژوهش حاضر می‌کوشد دستگاه فعلی گونه زبانی کُرتَه رایج در شهرستان قلعه گنج را توصیف نماید. برای این هدف، مقولات دستوری مرتبط با فعل شامل مقولات واژنحوی زمان دستوری، نمود، وجه، مطابقه و جهت در این گونه زبانی بررسی و توصیف شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دستگاه فعلی این گویش از سازوکارهای واژنحوی مجزا و متنوعی برای نمایش تمایزات مربوط به مقولات پنج‌گانه بالا بهره می‌گیرد.

واژگان کلیدی: گویش کُرتَه، ساختار تصریفی، دستگاه فعلی، مقولات واژنحوی.

✉ seddiqi_nejad@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱- مقدمه

شهرستان‌های گرمسیری جیرفت، رودبار جنوب، عنبرآباد، فاریاب، قلعه‌گنج، کهنوج و منوجان در جنوب استان کرمان، سکونتگاه مردمانی با نژادها و طبقات اجتماعی گوناگون و آداب و رسوم و پیشینه فرهنگی بسیار غنی است. زبان و لهجه نقش بسیار پررنگی در تعاملات اجتماعی ساکنان این منطقه دارد. این منطقه که به «رودبار زمین» معروف است، گستره رواج گونه‌هایی از سه زبان فارسی، بلوچی و براهویی، در کنار گویش غالب آن یعنی «رودباری» است. گویش «گرتّه»، نزدیک‌ترین گویش به خانواده زبان بلوچی، و به‌طور مشخص بلوچی مکرانی، در دو شهرستان قلعه‌گنج و رودبار جنوب تکلم می‌شود. پیشینه اکثر گرتّه‌زبانان دامداری و کوچ‌روی بوده‌است، ولی امروزه جامعه زبانی چهل هزار نفری آن در پهنه‌ای هزار کیلومتر مربعی در پیرامون هامون جازموریان سکنی گزیده‌اند. به لحاظ تبارشناسی، گویش گرتّه وابسته به خانواده زبان‌های ایرانی جنوب غربی (محمدی‌نیا، ۱۳۷۳: ح) و به لحاظ جغرافیای کاربرد، به نوعی مرحله گذار^۱ از بلوچی مکرانی به گویش رودباری و همچنین، نقطه تلاقی^۲ این دو گونه زبانی است که اصالت خانوادگی و ریشه زبانی متفاوتی دارند. به بیان دیگر، گویش گرتّه حلقه پیوند جغرافیایی و نیز زبان‌شناختی^(۱) گونه‌های بلوچی (از زبان‌های ایرانی شمال غربی) و گویش رودباری (از گروه گویش‌های بشکردی و منتسب به زبان‌های ایرانی جنوب غربی) است.

ساخت‌واژه، ساختمان درونی واژه‌ها، یعنی ترکیب تکواژها با هدف شکل‌گیری واژه‌ها و روابط آن با واژه‌های دیگر را بررسی می‌کند (نک. کاتامبا و اشتنهام،^۳ ۲۰۰۶: هسپلمت و سیمز،^۴ ۲۰۱۰). ساخت‌واژه به دو زیرشاخه تصریف و واژه‌سازی (شامل ترکیب و اشتقاق) تقسیم می‌شود (بائر،^۵ ۱۹۸۳: ۳۴). تصریف رابطه میان صورت‌های واژگانی^۶ یک پایه واژگانی^۷ را بررسی می‌نماید و واژه‌سازی رابطه میان پایه‌های واژگانی در یک خانواده واژگانی^۸ (هسپلمت و سیمز، ۲۰۱۰: ۱۸). به بیان دقیق‌تر، ساخت‌واژه تصریفی مقولات واژنحوی^۹ کلمات، به‌ویژه اطلاعات

1. transition
2. contact
3. F. Katamba & S. Stonham
4. M. Haspelmath & A. D. Sims
5. L. Bauer
6. word-forms
7. lexeme
8. word family
9. morpho-syntactic categories

واژنحوی افعالِ زمان‌دار/ خودایستا^۱ شامل شخص^۲، شمار^۳، زمانِ دستوری^۴، وجه^۵ و نمود^۶ را نمود^۶ را بررسی می‌کند (بوی^۷، ۲۰۰۷: ۱۰۰). پژوهش حاضر می‌کوشد از دیدگاه هم‌زمانی و برای اهداف و اصول ساخت‌واژه^۸ تصریفی، به توصیف و معرفی عناصر ساخت‌واژی نشان‌دهنده^۹ مقولات واژنحویِ زمان دستوری، وجه، نمود، جهت و مطابقه در ساختمان تصریفی افعال خودایستای گویش کُرتَه پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

جز محمدی‌نیا (۱۳۷۳)، تاکنون هیچ پژوهش زبان‌شناختی مستندی در باب گویش کُرتَه نشده‌است. وی به تحلیل پانصد واژه^{۱۰} منتخب گویش کُرتَه براساس معیارهای واج‌شناختی، ساخت‌واژی (ساختمان هجا و بُرش هجایی، وندهای واژه‌ساز و تکواژهای واژه‌ساز)، معنایی و کاربردشناختی پرداخته‌است.

به دلیل اشتراکات زبانی گویش کُرتَه با گونه‌های رودباری و بلوچی (مکرانی)، به مهم‌ترین پژوهش‌های آن گونه‌ها نیز اشاره می‌شود؛ مطلبی (۱۳۸۵) ماده‌های حال، گذشته و گذشته^{۱۱} جعلی فعل، وندهای نشان‌دهنده^{۱۲} وجه و نمود، نظام ضمیر و تصریف فعل در زمان‌های مختلف گویش رودباری را بررسی کرده‌است. درّی و همکاران (۱۳۹۲) شناسه‌های فعلی، ستاک‌ها و تصریف فعل در زمان‌های مختلف، و نیز ساخت مجهول را در گویش رودباری کوه‌شهری معرفی نموده‌اند. آهنگر (۲۰۰۷) نیز به توصیف نظام مطابقه، زمان دستوری، وجه، نمود و جهت در بلوچی گرنچین پرداخته‌است.

این پیشینه گویای ضرورت پژوهش حاضر است. این مقاله گامی آغازین است و یافته‌های آن می‌تواند در تعیین مختصات ساخت‌واژی و تعیین دقیق جایگاه آن در پیوستار اتصال گویش‌های بلوچی مکرانی به گویش رودباری، و نیز تعیین تأثیر گونه‌های فارسی، بلوچی و رودباری بر آن کمک نماید.

1. finite
2. person
3. number
4. tense
5. mood
6. aspect
7. G. Boojj

۳- مقولات و اژنحوی افعال خودایستای گویش گرتّه^(۲)

۳-۱- زمان دستوری، وجه، نمود

زمان دستوری، وجه و نمود اصلی‌ترین مقولات تصریفی ذاتی‌اند که بر روی افعال نشان داده می‌شوند (تالرمُن^۱، ۱۹۹۸: ۵۶). زمان دستوری «بیان دستوری‌شده یک موقعیت در زمان^۲ است» (کامری، ۱۹۸۵: ۹)؛ یعنی «تعیین جایگاه یک موقعیت در زمان در رابطه با لحظه تولید گفتار (زمان دستوری مطلق)^۴ یا در ارتباط با موقعیت دیگری در بافت کلام (زمان دستوری نسبی)^۵» (نسبی)^۵ است (پنر^۶، ۲۰۱۵: ۶؛ آکسنوف^۷، ۲۰۰۶، ۱۷۵). زمان دستوری مطلق حامل تعبیر بنیادین بنیادین (معنای هسته‌ای) و شامل لحظه حاضر به‌عنوان مرکز اشاری زمانی است، ولی زمان دستوری نسبی حامل تعبیر ثانویه (معنای جانبی) است (آهنگر، ۲۰۰۷: ۸). البته زبان‌ها برای نشان دادن تقابل‌های زمان دستوری نظام‌های دستوری متفاوتی، مثلاً تمایز سه‌شقی و تمایز دوشقی دارند.

وجه نیز «دربردارنده واقعیت یک موقعیت در قالب نگرش، نیات یا انتظارات می‌باشد» (پنر، ۲۰۱۵: ۶)؛ یعنی «قطعیت، احتمال، مورد تمایل یا مشروط بودن یک رویداد را نشان می‌دهد و ارزش‌های تصریفی گسترده‌تری شامل امری (دستورات)، التزامی (رویدادهای غیرواقعی) و اخباری (رویدادهای قلمدادشده به‌عنوان واقعیت‌های عینی) را رده‌بندی می‌کند» (تالرمُن، ۲۰۱۱: ۸۴). وجه استفاده شده برای بیان رویدادهای واقعی را اخباری (نشان‌دهنده جملات واقعی)^۸ و وجه استفاده شده برای بیان رویدادهای فرضی را التزامی (نشان‌دهنده جملات غیرواقعی)^۹ می‌نامند (پالمر^{۱۰}، ۲۰۰۱: ۱).

نمود آن مقوله دستوری است که نحوه انجام یافتن فعل از حیث آغاز، پایان، استمرار، تکرار یا در جریان بودن را بیان می‌کند. در تقسیم‌بندی کلان، نمود به دو نوع دستوری و واژگانی تقسیم می‌شود. به عقیده کامری (۱۹۷۶: ۳) نمود با ماهیت رویدادها، «به‌ویژه از لحاظ ساختار زمانی درونی آنها» سروکار دارد. به بیان دقیق‌تر، نمود «حاوی نقطه‌نظر گوینده درباره

1. M. Tallerman
2. time
3. B. Comrie
4. absolute tense
5. relative tense
6. K. M. Penner
7. S. Axenov
8. realis
9. irrealis
10. F. R. Palmer

ساختار زمانی درونی یک موقعیت به‌عنوان یک کل واحد یا مراحل تشکیل‌دهنده و ساختار درونی آن» (پیر، ۲۰۱۵: ۷) است. مشخصاً، اگر رویدادی به صورت یک کل واحد و بدون اشاره صریح به ساختار زمانی درونی آن لحاظ شود، دارای نمود کامل^۱ است ولی نمود ناقص^۲ بیانگر بیانگر رویدادهای در جریان و دارای اشاره صریح به ساختار زمانی درونی آنهاست و شامل مقولات عادی^۳ و پیوسته^۴ (به دو صورت استمراری^۵ و غیراستمراری^۶ مربوط به افعال حالتی^۷) حالتی^۸ است (کامری، ۱۹۷۶: ۲۵).^(۳)

بر این اساس، گویش کُرتَه تقابل زمان دستوری را به صورت تمایز بنیادین دوشقی (±گذشته)^(۴) در افعال خود نشان می‌دهد که زمان غیرگذشته همان زمان حال-آینده است؛ چراکه هیچ فعل کمکی برای ارجاع به زمان آینده ندارد و از زمان حال ساده یا استمراری بهره می‌گیرد. به علاوه، تمایز سه شقی مقوله وجه در این گویش شامل اخباری، التزامی و امری، و تمایز دوشقی نمودی آن نیز میان نموده‌های کامل و ناقص است. اما از آنجاکه «ارزش‌های سه مقوله زمان دستوری، نمود و وجه می‌تواند آزادانه با یکدیگر ترکیب شود» (تالرمَن، ۲۰۱۱: ۸۴)، در گویش کُرتَه نیز ارزش‌های آنها به صورت ترکیبی به کار می‌روند که توصیف خواهند شد.

۳-۱-۱- وجه اخباری

همانند بیشتر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گویش کُرتَه نیز وجه اخباری را برای بیان رویدادهای واقعی و اشاره به قطعیت مفهوم جمله از دیدگاه گوینده به کار می‌گیرد. اکنون به توصیف افعال دارای وجه اخباری این گویش براساس زمان دستوری و نمود می‌پردازیم.

الف) گذشته

الف-۱) ساده (زمان گذشته، نمود کامل)

این افعال نشانگر زمان گذشته، نمود کامل و وجه اخباری، و به لحاظ صوری، ترکیب ستاک گذشته فعل و نشانه^۸های فاعلی‌اند^(۵). جدول ۱ تصریف دو فعل (لازم/ ناگذر^۹ و متعدی/ گذرا^{۱۰}) از این رسته را در گویش کُرتَه نشان می‌دهد.

1. perfect(ive) aspect
2. imperfect(ive) aspect
3. habitual
4. continuous
5. progressive
6. non-progressive
7. stative verbs
8. marker
9. intransitive
10. transitive

جدول ۱. صورت‌های تصریفی افعال گذشته ساده گویش گرته^(۶)

مصدر شخص و شمار	žat-en زندن	nešt-en نشستن
اول شخص مفرد	žat-om	nešt-om
دوم شخص مفرد	žat-et	nešt-ey
سوم شخص مفرد	žat-i	nešt-ø
اول شخص جمع	žat-in	nešt-in
دوم شخص جمع	žat-uə	nešt-iə
سوم شخص جمع	žat-eš	nešt-en

الف-۱-۱) کاربردهای زمان گذشته

اهم کاربردهای زمان گذشته ساده در گویش گرته بدین قرار است^(۷):

۱. بیان رویدادهای مقدم بر لحظه تولید کلام (بنیادی‌ترین کاربرد):

1) duəš	ey	bandar	raset-om	čahzihed.
دیروز	از	بندر	۱مف-گذ.رسیدن	مک

دیروز از بندر عباس^۱ به چاه‌زپهد رسیدم.

به علاوه، از این زمان برای بیان معانی یا کاربردهای ثانویه^۲ نیز استفاده می‌شود:

۲. بیان رویدادهای خلاف واقع:

2) age	dist-et	pa	dorost-en.
اگر	۲مف-گذ.دیدن	پس	۳مف.حار.بیط-درست

اگر [آن را] دیدی، پس درست است.

۳. بیان احتمال:

3) yaht-in	o	darab	mort-ø,	ta	če
۱جم-گذ.آمدن	و	ا.خ	۳مف-گذ.مُردن	تو	چه [کار]
a=kan-ey		ba:dan?			
۲مف-حا.کردن=و.فع		بعداً			

آمدیم و داراب مُرد، بعداً تو چکار می‌کنی؟

۴. بیان رویدادهای قطعی‌الوقوع در آینده:

4) be-dar-ø	alan	yaht-om.
۲مف-حانگه‌داشتن-ال	الآن	۱مف-گذ.آمدن

بایست الان آمدم.

۵. بیان ارجاعِ زمانِ نسبی (بیان رویدادها در رابطه با یک نقطهٔ ارجاعِ وابسته به بافت): معمولاً در این ساخت‌ها بند پیرو دارای فعل گذشته و نقطهٔ ارجاعِ زمانی وابسته به بافت است و بندهای پایه دارای ارجاع به زمان آینده یا گذشته در رابطه با نقطهٔ ارجاعِ زمانی وابسته به بافت.

5) age **dist-om** xo, waš=et a=guə-m.
 ۱مف-حا-گفتن=ووقع ۲مف-ومف=به خُب ۱مف-گذ.دیدن اگر

اگر او را دیدم، به تو می‌گویم (ارجاع به زمان آینده).

6) weydiə **dist-om**, dega kar=i tamon-at.
 ۳مف-گذ.ربط-تمام ۳مف-ومف=کار دیگر ۱مف-گذ.دیدن وقتی

وقتی او را دیدم، کارش تمام [شده] بود (ارجاع به زمان گذشته).

الف-۲) ناقص (زمان گذشته، نمود ناقص)

در گویش کُرتَه افعال گذشته ساده به روش زیر می‌توانند بیانگر نمود ناقص از نوع عادت‌ی و تکراری نیز باشند که بدین منظور، پیش‌بستِ فعلی a= به این افعال افزوده می‌گردد. در ادامه و براساس دیدگاه‌های رده‌شناختی کامری (۱۹۸۵: ۷۸-۸۲) دربارهٔ موارد کاربرد زمان گذشته در زبان‌های دنیا، اهم کاربردهای این افعال را برخواهیم شمرد.

۱- بیان رویداد یا حالتی که در برههٔ زمانی مشخصی در گذشته رخ داده‌است:

7) čand sal **a=raft-in** dehn dawar nomzad
 چند سال ۱جم-گذ.رفتن=ووقع دهان منزل نامزد
kar=in **a=ko**, **dar=in** **a=če**
 ۱جم-وف=کار گذ.کردن=وف ۱جم-وف=هیزم گذ.چیدن=ووقع
 ta dega zan=eš dat-at=in.
 تا دیگر ۳جم-وف=زن ۱جم-ومف=گ-گ-گذ.دادن

چند سال می‌رفتیم در [تحت‌اللفظی: جلوی] خانهٔ [پدر] نامزد کار می‌کردیم، [برایشان] هیزم جمع می‌کردیم تا [اینکه] بالأخره [به ما] زن می‌دادند.

۲- بیان رویدادهای عادت‌ی یا تکراری در گذشته:

8) ey sar sabah ta ruə-nešt kar=in a=ko,
 سر از صبح تا غروب ۱جم-وف=کار گذ.کردن=ووقع
 šow mowkeh šom a=yaht-in dawar.
 شب موقع شام ۱جم-گذ.آمدن=ووقع منزل

از اول صبح تا غروب کار می‌کردیم، شب موقع شام به منزل می‌آمدیم.

۳- بیان رویدادی منقطع در گذشته:

9) hami-towr **a=raft-in** ya how
 طور-همین ۱جم-گذ.رفتن=ووقع یک مرتبه

towar tofang-iə yah-ø.
صدا نک-تفنگ ۳مف-گذ.آمدن

همین‌طور [داشتیم] می‌رفتیم [که] ناگهان صدای [شلیک] تفنگی آمد.

الف-۳) استمراری (زمان گذشته، نمود استمراری)

نمود ناقص استمراری بیانگر تداوم یا در حال انجام بودن یک رویداد است که با نمود ناقص عاداتی تفاوت اساسی دارد. صورت‌های فعل گذشته استمراری گویش کُرتَه که نشان‌دهنده وجه اخباری و نمود ناقص استمراری است، از ترکیب ستاک گذشته فعل کمکی *dašt-en* «داشتن» (= *dašt*)، پیش‌بست فعلی *a* (نشانه نمود ناقص) به همراه ستاک گذشته فعل اصلی ساخته می‌شود، با این توضیح که در گروه‌های فعلی متعدی (جز اول شخص مفرد و جمع) فعل کمکی و اصلی نشانه شخصی فاعلی متفاوتی می‌پذیرند (جدول ۲).

جدول ۲. صورت‌های تصریفی افعال گذشته استمراری گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	<i>h^wart-en</i> خوردن	<i>h^waft-en</i> خوابیدن
اول شخص مفرد	<i>dašt-om a=h^wart=om</i>	<i>dašt-om a=h^waft-om</i>
دوم شخص مفرد	<i>dašt-ey a=h^wart=et</i>	<i>dašt-ey a=h^waft-ey</i>
سوم شخص مفرد	<i>dašt-ø a=h^wart=i</i>	<i>dašt-ø a=h^wow-ø</i>
اول شخص جمع	<i>dašt=in a=h^wart=in</i>	<i>dašt-in a=h^waft-in</i>
دوم شخص جمع	<i>dašt=iə a=h^wart=uə</i>	<i>dašt-iə a=h^waft-iə</i>
سوم شخص جمع	<i>dašt=en a=h^wart=eš</i>	<i>dašt-en a=h^waft-en</i>

الف-۳-۱) کاربردهای زمان گذشته استمراری

در گویش کُرتَه، افعال گذشته استمراری غالباً برای اهداف زیر استفاده می‌شوند (اقتباس از کامری، ۱۹۷۶: ۹۸-۱۰۳):

۱- بیان رویدادهای (نا)هم‌زمان در گذشته:

10) *weydiə ta yaht-at-ey, mo dašt-om*
وقتی تو آمدی بودی، من داشتم حمام می‌کردم (رویدادهای ناهم‌زمان).
۳مف-گذ.آمدن تو وقتی ۲مف-گذ.گ-گذ.آمدن من ۳مف-گذ.کم

yow a=kaft-om.

۳مف-گذ.افتادن=ومف آب

11) *mo dašt-om a=mošt-om ay ham*
من ۳مف-گذ.کم من ۳مف-گذ.جاروزدن=ومف او هم
dašt-ø non=i a=h^wa.
۳مف-گذ.کم ۳مف-وف=نان گذ.خوردن=وف

من داشتم جارو می‌زد، او هم داشت غذا می‌خورد. (رویدادهای هم‌زمان)

۲- بیان رویدادی که در گذشته داشت واقع می‌شد:

12) **dašt-en** **a=raft-en** ke mo raset-om.
 ۱مف-گذ.رسیدن ۳جم-گذ.رفتن=وفع که من داشتند [از اینجا] می‌رفتند که من [از راه] رسیدم.

(ب) زمان غیرگذشته (حال-آینده)

(ب-۱) ساده (زمان غیرگذشته، نمود ناقص)

در گویش کُرتَه این زمان دستوری اساساً بیانگر وجه اخباری و نمود (ناقص) عادت، و به‌طور ضمنی ارجاع به زمان آینده را نشان می‌دهد. ساختار تصریفی این افعال حاصل ترکیب پیش‌بست فعلی =a، ستاک حال فعل و شناسه‌های شخصی فاعلی زمان حال (یکسان برای افعال لازم و متعدی) است. صیغگان تصریفی دو فعل (لازم و متعدی) گویش کُرتَه به زمان مزبور در جدول زیر آمده‌است.

جدول ۳. صورت‌های تصریفی افعال غیرگذشته ساده در گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	šošt-en شستن	h ^w raft-en خواهیدن
اول شخص مفرد	a=š <u>u</u> ər-om	a=h ^w as-om
دوم شخص مفرد	a=š <u>u</u> ər-ey	a=h ^w as-ey
سوم شخص مفرد	a=š <u>u</u> ər-i	a=h ^w as-i
اول شخص جمع	a=š <u>u</u> ər-in	a=h ^w as-in
دوم شخص جمع	a=š <u>u</u> ər-iə	a=h ^w as-iə
سوم شخص جمع	a=š <u>u</u> ər-en	a=h ^w as-en

افزون بر این، براساس پیکره زبانی پژوهش، شناسه سوم شخص مفرد در افعال متعدی kort-en «کردن» و jat-en «زدن» به صورت تهی (=∅)، یعنی a=kan-∅ و a=jan-∅ است، فرایندی که در افعال «آمدن»، yaht-en «آمدن»، raft-en «رفتن» و dat-en «دادن» همراه با تحول واکه‌ای در ستاک حال فعل، یعنی به صورت‌های a=ye-∅، a=ruə-∅ و a=da-∅ است. آنچه در زیر می‌آید، مهم‌ترین کاربردهای زمان غیرگذشته در گویش کُرتَه، و برگرفته از نظریات رده‌شناختی کامری (۱۹۸۵: ۳۶-۴۱) درباره کاربردهای این زمان در زبان‌های دنیاست.

۱- بیان کارهایی که بر حسب عادت انجام می‌شود:

13) ruə ke dar **a=kah-i,** ey
 خورشید که بیرون ۳مف-حا.افتادن=وفع,
 e-don harakat **a=kan-in** **a=re-yn**
 حرکت اینجا ۱جم-حا.کردن=وفع ۱جم-حارفتن=وفع

suæreg ta šow dega bar a=gard-in dawar.

منزل ۱-جم-ح.گشتن=وَفْع پدفع دوباره شب تا شوره(زار)

خورشید که طلوع می‌کند، از اینجا حرکت می‌کنیم می‌رویم بیابان تا زمانی که شب به منزل برمی‌گردیم.

۲- ارجاع به زمان آینده:

14) sabah sahar a=reyn g^war doktor.

فردا صبح پیش دکترا ۱-جم-ح.رفتن=وَفْع سحر فردا

فردا صبح پیش دکترا می‌رویم.

۳- روایت رویدادهایی که در گذشته رخ داده‌اند (حال روایی):

15) doz-ongaw-on a=yar-en e-don

جم-گاوجم-دزد ۳-جم-ح.آوردن=وَفْع اینجا

sowar=eš a=kan-en a=bar-en-t=eš.

۳-جم-ومف=منج-۳-جم-ح.بردن=وَفْع ۳-جم-ح.کردن=وَفْع ۳-جم-ومف=سوار

دزدها گاوها را می‌آورند اینجا، سوارشان می‌کنند [او] می‌برندشان.

ب-۲) استمراری (زمان غیرگذشته، نمود مستمر)

این افعال نشانگر نمود مستمر که نوع ویژه‌ای از نمود ناقص است در زمان حال یا آینده‌اند و صورت‌های آنها دو ساختار تصریفی متمایز دارند:

الف) ترکیب پیش‌بست فعلی =a، مصدر فعل (ستاک گذشته+ تکواژ -en) و شناسه‌های شخصی زمان حال (جدول ۴).

جدول ۴. صورت‌های تصریفی افعال غیرگذشته استمراری الف در گویش کُرتَه

مصدر / شخص و شمار	mošt-en جارو زدن	raft-en رفتن
اول شخص مفرد	a=mošt-en-om	a=raft-en-om
دوم شخص مفرد	a=mošt-en-ey	a=raft-en-ey
سوم شخص مفرد	a=mošt-en-en	a=raft-en-en
اول شخص جمع	a=mošt-en-in	a=raft-en-in
دوم شخص جمع	a=mošt-en-iə	a=raft-en-iə
سوم شخص جمع	a=mošt-en-en	a=raft-en-en

ب) ستاک حال فعل کمکی dašt-en «داشتن» (=dar)، پیش‌بست فعلی =a و ستاک حال فعل اصلی، با این توضیح که برای فعل کمکی و اصلی شناسه شخصی زمان حال یکسان به کار می‌رود (جدول ۵).

جدول ۵. صورت‌های تصریفی افعال غیرگذشته استمراری ب در گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	suəht-en سوزاندن	nešt-en نشستن
اول شخص مفرد	dar-om a=suəz-om	dar-om a=nend-om
دوم شخص مفرد	dar-ey a=suəz-ey	dar-ey a=nend-ey
سوم شخص مفرد	dar-i a=suəz-i	dar-i a=nend-i
اول شخص جمع	dar-in a=suəz-in	dar-in a=nend-in
دوم شخص جمع	dar-iə a=suəz-iə	dar-iə a=nend-iə
سوم شخص جمع	dar-en a=suəz-en	dar-en a=nend-en

به نظر می‌رسد ساختار الف حاصل وام‌گیری گویش کُرتَه از گویش رودباری، به‌عنوان گویش غالب منطقه باشد چراکه عمدتاً در گونه‌هایی از گویش کُرتَه یافت می‌شود که در مجاورت جغرافیایی با گویش رودباری رواج دارند ولی در عوض، ساختار ب در تمام گونه‌های گویش کُرتَه کاربرد دارد و از این رو، ساختار بنیادین گویش مزبور برای بیان زمان حال - آینده استمراری است. به هر روی، از این زمان اغلب برای بیان موارد زیر استفاده می‌شود:

۱- رویدادهایی که در زمان حال و در لحظه بیان گفتار در جریان‌اند:

16) hašam-on	alan	a=raft-en-en	hondeg	čok
جم-اهالی	الآن	۳جم-مص-گذر-فتن=و-فع	عروسی	پسر
dowruəš,	šoma	a=na-ya-y-iə?		
ا-خ	۲جم-میج-حا-آمدن-نف=و-فع شما			

اهالی الان می‌روند [مراسم] عروسی پسر درویش، شما نمی‌آیید؟

۲- رویدادهایی (عمدتاً کوتاه مدت) که در لحظه بیان گفتار در شرف وقوع هستند:

17) yaru-w-ak	be-ge(r)-ø,	dar-i	a=kah-i.
تص-میج-پسر	۲مف-حال-گرفتن-ا-م	۳مف-حا-کم	۳مف-حا-افتادن=و-فع

پسرک را بگیر، دارد می‌افتد.

۳- ارجاع به زمان آینده:

18) hala	sar	sabah	dar-om	a=ra-m
حالا	سر	صبح	۱مف-گذ-کم	۱مف-حا-رفتن=و-فع
ta	če	a=b-i.		
تا	چه	۳مف-حا-شدن=و-فع		

فردا صبح دارم می‌روم تا [ببینم] چه [کار] می‌شود [کرد].

۴- حالات یا رویدادهای (عمدتاً بلند مدت) که در زمان حال، و نه لزوماً در لحظه بیان گفتار، جریان دارند:

19) čar	sal-en	ke	jašem	kermon
چهار	۳مف.حاربط-سال	که	ا.خ.	مک
dars	a=xont-en-en.			
درس	۳مف-مص-گذ.خواندن=وفع			

چهار سال است که جاسم دارد [در دانشگاه] کرمان درس می‌خواند.

جمله بالا بیانگر این نکته است که رویداد بیان شده با زمان حال - آینده استمراری ضرورتاً در لحظه بیان در حال وقوع نیست، یعنی نمونه ۱۹ دارای نمود تداومی غیراستمراری^۱ است.

ج) نمود کامل

امروزه اصلی‌ترین تقسیم‌بندی نمود در زبان‌ها تمایز میان نمود کامل (کامل شدن عمل بیان شده توسط فعل) و نمود ناکامل (استمرار عمل فعل بدون مشخص کردن مرزهای پایانی آن) است (سلیمانی و حق‌بین، ۱۳۹۵: ۲۵۰). کامری (۱۹۷۶: ۱۶) نمود کامل را در نظر گرفتن یک موقعیت به‌عنوان یک کل، و بدون پرداختن به تمایزات میان مراحل مختلف تشکیل‌دهنده آن می‌داند. گیون^۲ (۲۰۰۱: ۲۸۸-۲۸۹) در توصیف مقایسه‌ای نمود کامل و نمود ناکامل می‌آورد: در نمود کامل تمرکز چشم‌انداز بر اتمام و حد و مرز داشتن^۳ است و ارتباط تنگاتنگی با زمان گذشته دارد و همانند مشاهده یک رویداد از فاصله دور و با استفاده از لنز دارای بزرگ‌نمایی زاویه‌تنگ است، حال آنکه در نمود ناکامل تمرکز چشم‌انداز به چیزی غیر از اتمام و حد و مرز داشتن، و همانند مشاهده یک رویداد از فاصله نزدیک و با استفاده از لنز زاویه‌گسترده است. به‌علاوه، گیون (همان‌جا) نمود ناکامل را به دو زیرشاخه اصلی تقسیم می‌کند: استمراری - دیرشی - پیوسته^۴؛ یعنی فرایند در جریان، و عادی - تکراری^۵؛ یعنی رخدادهای تکرارشونده. گویش‌گرفته برای بیان نمود کامل از گذشته ساده^(۸)، گذشته کامل و حال کامل بهره می‌گیرد.

ج-۱) گذشته کامل

این زمان در گویش‌گرفته نشانگر وجه اخباری و نمود کامل^۶ است که موقعیتی قبل از نقطه ارجاع زمانی در گذشته را بیان می‌کند. معنای اصلی نمودی گذشته کامل در گویش‌گرفته

1. continuous non-progressive aspect
2. T. Givon
3. boundedness
4. progressive-durative-continuous
5. habitual-repetitive
6. pluperfect

ویژگی‌هایی مانند کامل‌بودگی^۱ و مقدم‌بودگی^۲ را دارد. صورت‌های تصریفی افعال گذشته کامل این گویش برحسب گذرایی^۳ افعال به دو شیوه زیر ساخته می‌شود:

۱- در افعال لازم از ترکیب ستاک گذشته فعل، تکواژ *-at* (نشانه زمان گذشته کامل) و شناسه‌های شخصی فاعلی حاصل می‌شود که همواره به صورت ثابت به انتهای ساختمان فعل لازم می‌پیوندند (جدول ۶).

جدول ۶. صورت‌های تصریفی افعال لازم گذشته کامل در گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	nešt-en نشستن	yaht-en آمدن
اول شخص مفرد	nešt-at-om	yaht-at-om
دوم شخص مفرد	nešt-at-ey	yaht-at-ey
سوم شخص مفرد	nešt-at-∅	yaht-at-∅
اول شخص جمع	nešt-at-in	yaht-at-in
دوم شخص جمع	nešt-at-iə	yaht-at-iə
سوم شخص جمع	nešt-at-en	yaht-at-en

۲- در افعال متعدی از ترکیب ستاک گذشته فعل، تکواژ *-at* و واژه‌بست‌های عامل فاعلی حاصل می‌شود (جدول ۷) که می‌توانند به صورت شناور به عناصری غیر از فعل نیز افزوده شوند.

جدول ۷. صورت‌های تصریفی افعال گذشته کامل متعدی در گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	h ^w art-en خوردن	riəht-en ریختن (متعدی)
اول شخص مفرد	h ^w art-at=om	riəht-at=om
دوم شخص مفرد	h ^w art-at=et	riəht-at=et
سوم شخص مفرد	h ^w art-at=i	riəht-at=i
اول شخص جمع	h ^w art-at=in	riəht-at=in
دوم شخص جمع	h ^w art-at=uə	riəht-at=uə
سوم شخص جمع	h ^w art-at=eš	riəht-at=eš

در گویش کُرتَه کاربرد افعال گذشته کامل عمدتاً با اهداف زیر صورت می‌پذیرد:

۱- بیان رویدادی که در گذشته دور رخ داده باشد:

awon 20) čan sal piəš **yaht-at-en** ramešk.
آنها چند سال پیش ۳جم-گک-گذ.آمدن مک

آنها چند سال پیش به رمشک آمده بودند.

1. perfectivity
2. anteriority
3. transitivity

۲- بیان شرط یا آرزو در گذشته:

21) age pul-on mon=eš h^wart-at,
 اگر جم-پول ۳جم-وف=من گ-گ-گذ.خودن
 a=ǰat=ent=om.
 ۱مفوف=۳جمومف=گذ.زدن=وفع

اگر پول‌های مرا خورده بودند، می‌زدمشان. (شرط)

بند پیرو در نمونه ۲۱ دارای ساخت گنایی دوگانه است، بدین معنا که واژه‌بست عامل فاعلی eš- به صورت شناور به انتهای عنصری قبل از ستاک فعل (در اینجا، مفعول صریح اضافی) متصل شده و شخص و شمار فاعل را نشان می‌دهد.

22) kaškiə aslan a-wuə(don) na-mont-at-om.
 کاش اصلاً آنجا ۱مف-گ-گ-گذ.ماندن-نف

کاش اصلاً آنجا نمانده بودم. (آرزو)

ج-۲) حال کامل

صیغگان این افعال در گویش گُرتَه از ترکیب صفت مفعولی (ستاک گذشته + a-) و نشانه‌های شخصی فاعلی ساخته می‌شوند که همانند افعال گذشته کامل، نشانه‌های شخصی فاعلی متفاوتی برای افعال لازم و متعدی دارند؛ یعنی در افعال لازم شناسه‌های شخصی فاعلی، و در افعال متعدی واژه‌بست‌های عامل فاعلی، شخص و شمار فاعل را نشان می‌دهند (جدول ۸).

جدول ۸. صورت‌های تصریفی افعال حال کامل در گویش گُرتَه

مصدر شخص و شمار	nešt-en نشستن	dist-en دیدن
اول شخص مفرد	nešt-a-m	dist-a=m
دوم شخص مفرد	nešt-a-y	dist-a=t
سوم شخص مفرد	nešt-a-∅	dist-e=y
اول شخص جمع	nešt-a-yn	dist-a=yn
دوم شخص جمع	nešt-a-y-iə	dist-a-w=uə
سوم شخص جمع	nešt-a-n	dist-a=š

به‌علاوه، در گویش گُرتَه تکیه اصلی این دسته افعال بر روی هجای ماقبل هجای دارای صورت a- (نشانه حال کامل) قرار دارد. از مهم‌ترین کاربردهای افعال حال کامل می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱- بیان رویداد رخ داده یا حالت موجود در گذشته که ارتباط بارزی با زمان حال دارد:

- 23) zang=om ĵa, a=goht=i
 ۱مفوف=زنگ ,گذردن ۲مفوف=گذفتن=وفع
 sabah-i **bort-a=š** bandar.
 ۳جموف=صمف-گذبردن این-صبح مک
- زنگ زدم، گفت [تحت‌اللفظی: می‌گویند] امروز صبح [او را] به بندرعباس برده‌اند.
 ۲- بیان رویدادی که در گذشته انجام و اتمام یافته است:
- 24) duəš-i **raft-a-n** g^war šīəx, ay ham
 این-دیروز ۳جم-صمف-گذرفتن پیش شیخ او هم
rastat=ant-e-y dadgah.
 ۳مفوف=صمف-جمومف=گذفرستادن دادگاه
- دیروز پیش شیخ رفته‌اند، او هم [آنها را] به دادگاه فرستاده است.
 ۳- بیان قطعیت در آینده:
- 25) ta ta gozer bah-ay ma dega **mort-a-yn.**
 تو تو ۲مف-حاشدن بزرگ ما دیگر ۱جم-صمف-گذمردن
- تا [زمانی که] تو بزرگ شوی، ما دیگر [مسلماً] مُرده‌ایم.
 ۴- در معنای التزامی:
- 26) šayət **hešt-a=t** dawar yad na-h-ay.
 شاید ۲مفوف=صمف-گذداشتن منزل یاد ۲مف-حابدون-نف
- شاید [آن را در] منزل [جا] گذاشته‌ای [اولی] یادت نیست.

۳-۱-۲- وجه التزامی

گویش کُرتَه از وجه التزامی برای بیان رویدادهای غیرواقعی یا فرضی و نیز غیرقطعی بودن مفهوم جمله از منظر گوینده بهره می‌گیرد. در این گویش وجه التزامی در قالب حال التزامی و گذشته التزامی و اغلب همراه با واژه‌های بیانگر عدم قطعیت مانند «(ای) کاش»، age «اگر»، balki «شاید»، و غیره نمود می‌یابد.

الف) حال التزامی

صورت بی‌نشان^۱ حال التزامی که بیانگر اعمال یا رویدادهای غیرواقعی اما ممکن و محتمل است، از افزودن پیشوند فعلی be- به ستاک حال و شناسه‌های شخصی فاعلی زمان حال ساخته می‌شود و در صورت منفی آن، پیشوند فعلی na- جایگزین be- می‌گردد. جدول زیر صورت‌های تصریفی دو فعل حال التزامی گویش کُرتَه را به تصویر می‌کشد.

1. unmarked

جدول ۹. صورت‌های تصریفی افعال حال التزامی در گویش کُرتَه

مصدر شخص و شمار	jat-en زدن	h ^w aft-en خوابیدن
اول شخص مفرد	be-ʃan-om	bo-h ^w as-om
دوم شخص مفرد	be-ʃan-ey	bo-h ^w as-ey
سوم شخص مفرد	be-ʃan-ø	bo-h ^w as-i
اول شخص جمع	be-ʃan-in	bo-h ^w as-in
دوم شخص جمع	be-ʃan-iə	bo-h ^w as-iə
سوم شخص جمع	be-ʃan-en	bo-h ^w as-en

مهم‌ترین کاربردهای صورت‌های حال التزامی در گویش کُرتَه بدین شرح است:

۱- بیان شرطِ ممکن و واقعی:

27) age

be-rast-i-t=i,

a=r-uə.

اگر

۳مفومف=میج-۲مف-حافرستان-ال

۳مف-حارفتن=وفع

اگر او را بفروستی، می‌رود.

۲- بیان تمنا، آرزو یا نفیرین:

28) kaškia

ham-uə

be-nend-en.

کاش

آنجا-تا

۳جم-حاننشستن-ال

ای کاش همان‌جا بماند [تحت‌اللفظی: بنشینند]. (آرزو)

29) šallah

bo-r-uə

ke

bar

na-gard-i.

ان‌شاءالله

۳مف-حارفتن-ال

که

۳مف-حاکشتن-نف بر (پ‌فع)

ان‌شاءالله که برود [او] برنگردد. (نفیرین)

۳- بیان قصد و نیت (به همراه صورت‌های تصریفی مصدر h^wast-en «خواستن»):

30) a=h^wey-t-om

sar

h^wa

be-čen-om.

۱مف-حافرستان=وفع

سر

خود

۱مف-حاچیدن-ال

می‌خواهم سر خودم را اصلاح بکنم [تحت‌اللفظی: بچینم]. (بیان قصد در زمان حال یا آینده)

31) a=h^wast-om

sar

h^wa

be-čen-om.

۱مف-گذخواستن=وفع

سر

خود

۱مف-حاچیدن-ال

می‌خواستم سر خودم را اصلاح بکنم [تحت‌اللفظی: بچینم]. (بیان قصد در زمان گذشته)

۴- بیان اجبار، درخواست، اکراه و ضرورت انجام کار:

32) bayad

zu-te

ey

e-don

be-re-yn.

باید

تف-زود

از

اینجا-تا

۱جم-حارفتن-ال

باید زودتر از اینجا برویم.

- 33) mon=om a=h^wey (ke) ta dars **bo-xon-ey**.
 ۲مف-حا.خواندن-ال درس تو (که) حا.خواستن=وفد ۱مف-وف=من
 من می‌خواهم [که] تو درس بخوانی.
- 34) bey če **bi-ya-n** g^war mo.
 چه برای ۳جم-حا.آمدن-ال پیش من
 چرا پیش من بیایند؟
- 35) yani lazem-at-∅ **be-ra-y?**
 یعنی ۳مف-گذ.ربط-لازم ۲مف-حا.رفتن-ال
 یعنی لازم بود بروی؟
 ۵- بیان توانایی و اجازه:
- 36) a=tah-ey čap **be-ger-ey?**
 ۲مف-حا.توانستن=وفد چاپ ۲مف-حا.گرفتن-ال
 می‌توانی چاپ (رقص هماهنگ مردانه) انجام بدهی [تحت‌اللفظی: چاپ بگیری]؟ (توانایی)
- 37) waš=eš **bo-gua-m** **bi-ya-n?**
 ۳جم-ومف=به ۱مف-حا.گفتن-ال ۳جم-حا.آمدن-ال
 به آنها بگویم بیایند؟ (اجازه)
- ۶- بیان احتمال و عدم اطمینان به همراه کلمات ربطی balki «شاید» و šayad «شاید»:
 38) šayat=am **be-xar-in=i**.
 شاید هم آن را بخیریم. ۳مف-ومف=۳جم-حا.خریدن-ال هم=شاید

ب) گذشته التزامی

گذشته التزامی بیانگر رویدادهای غیرواقعی، غیرممکن و غیرمحمتمل است و به بیان آهنگر (۲۰۰۷: ۱۸) این فعل «اعمال یا رویدادهای خلاف واقع^۱ نظیر شک‌ها، شرایط غیرواقعی و آرزوها را در زمان گذشته، و نیز اعمال و حالات غیرممکن را در زمان حال یا آینده بیان می‌کند.» در گویش کُرتَه از صورت‌های گذشته کامل افعال (با/ بدون پیشوند be- و تکرارگونه‌های آن)، معمولاً به همراه واژه age «اگر»، بدین منظور استفاده می‌شود (جدول ۶ و ۷).

- 39) age **raft-at-en** bayat ey ba-mard=eš
 ۳جم-وف=مرد-تص از باید ۳جم-گ-گذ.رفتن اگر
(be-)jat-at.
 اگر می‌رفتند، می‌بایست مرده را [کتک] می‌زدند. گ-گذ.زدن(ال)

1. counterfactua

مهم‌ترین کاربردهای صورت‌های گذشته التزامی در گویش گُرتَه از قرار زیر است:

۱- بیان شرط غیرواقعی:

- 40) age waš=i goht-at=et, na=m-a=dat=i.
 ۳مفوف=به اگر ۲مفوف=گ-گ-گذ.گفتن ۱مفوف=نف-
 اگر (قضیه را) به او گفته بودی، (آن را) به تو نمی‌دادم.

۲- بیان احتمال به همراه کلمات ربطی balki «شاید» و šayad «شاید»:

- 41) balkiə h^wad-eš zu-te raft-at-en.
 شاید ۳جم-خود تف-زود ۳جم-گ-گ-گذ.رفتن
 شاید خودشان زودتر رفته بودند.

۳- بیان آرزو به همراه کلمه ربطی kaškiə «(ای) کاش»:

- 42) kaškiə duəš-i raft-at-om.
 کاش این-دیروز ۱مفوف-گ-گ-گذ.رفتن
 کاش دیروز رفته بودم.

- 43) kaškiə sabəh be-təh-om be-ra-m.
 کاش فردا ۱مفوف-حا.توانستن-ال ۱مفوف-حار.رفتن-ال
 کاش فردا بتوانم بروم.

۴- بیان ضرورت انجام کار بعد از افعال بیانگر درخواست، امر و یا صفاتی مانند lazem «لازم» و mohem «مهم» یا فعل کمکی bayat «باید» و قیودی مانند hatman(d) «حتماً»:

- 44) bayat foruəht-at=et ey berat h^wa.
 باید ۲مفوف=گ-گ-گذ.فروختن از خود برادر
 باید به برادر خودت فروخته بودی.

۵- بیان شرط غیرواقعی و غیرممکن:

- 45) mage goht-at=om če a=b-u?
 اگر ۱مفوف=گ-گ-گذ.گفتن چه ۳مفوف-گذ.شدن=وفع
 اگر گفته بودم، چه می‌شد؟

۳-۱-۳- وجه امری

این وجه به مفهوم امری بودن جمله از دیدگاه گوینده شامل دستور، توصیه، خواهش یا نهی اشاره می‌کند. همانند فارسی، در گویش گُرتَه نیز صورت‌های امر صرفاً برای دوم شخص مفرد و جمع صرف می‌شود و برای بیان امر برای سایر اشخاص، صورت‌های حال التزامی (نک. ۱-۲-۱-۲ الف) استفاده می‌شود. صورت بی‌نشان امر دوم شخص مفرد از پیشوند امرساز be- و ستاک حال فعل تشکیل می‌شود و در صورت امری دوم شخص جمع شناسهٔ فاعلی iə- به انتهای

آن افزوده می‌شود. البته در صورت‌های امر منفی، پیشوندِ نهی *ma-/na-* جایگزین *be-* می‌گردد.

46) *be-ra-∅* *dawar šabon bo-guə-∅* *pul-on*
 ۲مف-حارفتن-ام ۱خ-منزل ۲مف-حارفتن-ام جم-پول

mo be-da-∅.

۳مف-حادادن-ام من برو منزل شعبان [و] بگو پول‌های من را بدهد.

47) *be-nend-iə* *ba* *ḵoni, gap* *na-ḵan-iə.*

۲جم-حانشتن-ام به حرف درستی ۲جم-حازدن-نه

بی سروصدا بنشینید! حرف نزنید!

ساخت امری دارای پیشوند *be-*، ساخت بی‌نشان یا غالب برای وجه امر در گویش کُرتَه است و ساخت امری نشان‌دار^۱ یا مغلوب که پیشوند امرساز ندارد برای افعال مرکب و یک فعل ساده به کار می‌رود (نمونه‌های زیر).

48) *dar* *wa* *∅-kan-iə.*

در باز ۲جم-حاکردن-ام در را باز کنید! (فعل مرکب)

49) *age* *na-y=i-da,* *∅-deh-iə-t=i.*

اگر ۳مفوف=میج-نف ۳مفوف=میج-۲جم-حازدن-ام

اگر (پول‌ها را) نداد، بزنی‌ش! (فعل ساده)

۳-۲- جهت

جهت آن ساختار دستوری است که تطابق میان نقش‌های معنایی و روابط نحوی در جملات را متأثر می‌سازد. مثلاً در ساختارهای دارای جهت معلوم^۲، کنشگر^۳ در جایگاه فاعل و کنش‌پذیر^۴ در جایگاه مفعول قرار دارد حال آنکه در ساختارهای دارای جهت مجهول^۵ کنش‌پذیر عهده‌دار رابطه نحوی فاعلی است و کنشگر در نقش غیرفاعلی ظاهر می‌شود (نک. پائین^۶، ۲۰۰۶، ۲۳۷-۲۴۷). مضافاً اینکه معلوم و مجهول معروف‌ترین انواع جهت هستند که عمدتاً با استفاده از ساختارهای دارای افعال کمکی در زبان‌ها نشان داده می‌شوند (آندرسون^۷،

1. marked
 2. active
 3. agent
 4. patient
 5. passive
 6. T. E. Payne
 7. G. D. S. Anderson

۲۰۰۶: ۳۴). آهنگر (۲۰۰۷: ۲۲) جهت را مقوله‌ای رابطه‌ای^۱ می‌داند که با جایگاه‌های اشغال شده موضوع‌های گروه اسمی فعل^۲ و نیز صورت خود فعل در ارتباط است. از حیث جهت، گویش کُرتّه از تمایز دو شقی میان معلوم و مجهول، و فاقد جهت میانه^۳ بهره می‌گیرد. جهت مجهول با سه مشخصه نمایانده می‌شود: الف) ایجاد تغییر ساختاری در جایگاه‌های فاعل و مفعول مستقیم به‌عنوان دو موضوع فعلی، بدین صورت که در ساخت مجهول گروه اسمی مفعول مستقیم با از دست دادن نشانه مفعولی خود، از جایگاه پس‌فعلی به جایگاه گروه اسمی فاعلی ارتقا می‌یابد و گروه اسمی فاعل حذف می‌گردد (مگر به‌ندرت و برای تأکید)؛ ب) بروز تغییر تصریفی در صورت فعل اصلی، یعنی کاربرد وجه وصفی فعل متعدی در ساخت مجهول؛ و ج) حضور یکی از صورت‌های تصریفی فعل کمکی *but-en* «شدن» در ساخت مجهول. نمونه‌های زیر این سه مشخصه تمایزدهنده در گویش کُرتّه را به روشنی نشان می‌دهد:

50) mo miəš-on=om	foruəh.
امفوف=جم-گوسفند من	گذ.فروختن
	من گوسفندان را فروختم. (جهت معلوم)
51) miəš-on foruəht-a	but-en.
صمف-گذ.فروختن جم-گوسفند	۳جم-گذ.شدن
	گوسفندان فروخته شدند. (جهت مجهول)

۳-۳-۳- مطابقه

مطابقه آن رابطه دستوری است که در آن حضور صورت یک عنصر زبانی نیازمند حضور صورت متناظر عنصر دیگر است (تراسک^۴، ۲۰۰۷: ۱۰). در گویش کُرتّه که جزء زبان‌های ضمیرانداز^۵ است، تمام صیغگان افعال (به‌جز سوم شخص مفرد در برخی موارد) آشکارا از حیث شخص (اول، دوم، سوم) و شمار (مفرد و جمع) با موضوع‌های فاعلی خود مطابقت می‌کنند. جدول زیر ضمائر شخصی فاعلی آزاد گویش کُرتّه را نشان می‌دهد:

1. relational
2. noun phrase arguments of verb
3. middle voice
4. R. L. Trask
5. pro-drop languages

جدول ۱۰. ضمائر شخصی آزاد/ منفصل در گویش کُرتَه

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	mo(n)/ma	ma
دوم	ta	šoma
سوم	ay(i)	aw(o)n

به علاوه، در گویش کُرتَه مطابقت شخص و شمار فعل با فاعل می‌تواند به کمک نشانه‌های وابسته فاعلی صورت پذیرد که به ستاک فعل منضم می‌شوند. این نشانه‌های فاعلی بسته به زمان ستاک فعل در این گروه‌ها جای می‌گیرند:

۳-۳-۱- زمان گذشته (افعال لازم):

در افعال گذشته لازم، شناسه‌ها یا پسوندهای شخصی فاعلی همواره به صورت ثابت به انتهای ستاک فعل می‌پیوندند و شخص و شمار آن را نشان می‌دهند (نمونه ۵۲):

52) yaht-om vali ta h^waft-at-ey.
 ۱مف-گذ.آمدن ولی تو گ.ذ.خوابیدن

[من] آمدم، ولی تو خوابیده بودی.

۳-۳-۲- زمان گذشته (افعال لازم):

در افعال گذشته متعدی، مطابقت شخص و شمار فعل با فاعل با واژه‌بست‌های عامل فاعلی صورت می‌پذیرد. تفاوت پسوندهای شخصی فاعلی گذشته با واژه‌بست‌های عامل فاعلی در این است که واژه‌بست‌های عامل فاعلی در ساخت کُنایی (ارگتیو) می‌توانند به صورت شناور به عناصری غیر از ستاک فعل متصل شوند (نمونه ۵۳)، ولی شناسه‌های فاعلی همواره به میزبان فعلی می‌پیوندند و خاصیت حرکت در جمله ندارند.

53) pul-on=om da ey dori.
 ۱مفوف=جم-پول گ.ذ.دادن از ا.خ.

پول‌ها را به دُر خاتون دادم.

۳-۳-۳- زمان غیر گذشته:

در زمان غیر گذشته گویش کُرتَه، مطابقت شخص و شمار تمامی افعال لازم و متعدی با فاعل جمله، با شناسه‌ها یا پسوندهای شخصی فاعلی یکسان صورت می‌پذیرد که همواره و بلافاصله پس از ستاک فعل ظاهر می‌شوند (نمونه ۵۴):

5۴) leyd a=nend-om čašt a=h^war-om.
 بیرون امف-حاننشستن=وفع ۱مف-حاننشستن=وفع نهار امف-خوردن=وفع

بیرون می‌نشینم نهار می‌خورم.

نتیجه کلی آن خواهد بود که گویش گُرتّه از یک نظام مطابقت فاعلی دوگانه برخوردار است؛ بدان معنا که برای نمایش مطابقت شخص و شمار فعل با فاعل جمله، از پسوندهای فاعلی و واژه‌بست‌های فاعلی بهره می‌گیرد که در جدول‌های ۱۱ و ۱۲ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱۱. پسوندهای مطابقت فاعلی در گویش گُرتّه

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	-om ~ -am	-in
دوم	-ey ~ -ay	-iə
سوم	-∅ ~ -i ~ -en	-en ~ -an

جدول ۱۲. واژه‌بست‌های مطابقت فاعلی در گویش گُرتّه

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	=(o)m ~ =(a)m	=in
دوم	=(e)t	=iə
سوم	=i	=(e)š

فعل ربطی پی‌بستی but-en «بودن» نیز بسته به زمان دستوری خود به صورت‌های

غیرگذشته و گذشته و به شرح جدول زیر نمود می‌یابد:

جدول ۱۳. صورت‌های تصریفی فعل ربطی در گویش گُرتّه

شمار و شخص	زمان	غیرگذشته	گذشته
اول شخص مفرد		=om	at=om
دوم شخص مفرد		=ey	at=ey
سوم شخص مفرد		=en	at=∅
اول شخص جمع		=in	at=in
دوم شخص جمع		=iə	at=iə
سوم شخص جمع		=en	at=en

۴- نتیجه‌گیری

دستگاه فعلی گویش کُرته به کمک نشانه‌گذاری واژنحوی، تمایز مقولات زمان دستوری، وجه، نمود، مطابقه و جهت را نشان می‌دهد. در مقوله زمان دستوری میان زمان‌های گذشته و غیرگذشته (حال-آینده) تمایز می‌گذارد و در هر دو زمان، از صورت‌های فعلی خاصی برای نمایش مشخصه‌های نمودی کامل، ناقص و عادتی بهره می‌گیرد. بدین منظور، علاوه بر ساختار اصلی خود، از ساختار $a=$ به همراه صورت مصدری افعال نیز برای نمایش نمود استمراری و آغازین استفاده می‌کند که نتیجه وام‌گیری از گویش رودباری است. از نظر مقوله وجه نیز دستگاه فعلی آن برای نمایش وجه سه‌گانه اخباری (بیان واقعیات)، التزامی (بیان غیرواقعیات و غیرممکن‌ها) و امری از تمایزات ساختاری فعل بهره می‌برد. به علاوه، این گویش دارای تمایز دوگانه برای جهت‌های معلوم و مجهول است و بهره‌گیری از ساختار مجهول امکانی در زمان‌های گذشته و غیرگذشته و با افعال لازم و متعدی از خصوصیات بارز دستگاه فعلی آن است. نهایتاً تمام صیغگان افعال این گویش از پایانه‌های شخصی (غیر) گذشته و نیز افعال ربطی متصل (غیر) گذشته برای نمایش مطابقه استفاده می‌کنند.

پانوش

۱. شاهد این مدعا پیوستار تحولات واج لبی شده xv از اوستایی به صورت‌های w ، hw ، xw (و x) به ترتیب در زبان بلوچی، کُرته، رودباری و فارسی است که پیوستاری را از غلبه کامل مشخصه لبی‌شدگی به سمت حذف کامل آن تشکیل می‌دهند.
۲. واجگان کُرته از همخوان‌های r (روان تک‌نشی)، r (روان چندنشی)، gw (انسدادی، نرمکامی - لبی‌شده)، hw (سایشی، چاکنایی - لبی‌شده) و نیز واژه‌های مرکب aw (پیشین) و $uə$ (پسین) بهره می‌گیرد که در آوانگاری داده‌های پژوهش بدون توجه به پایگاه واجی آنها استفاده شده‌اند.
۳. برای آگاهی بیشتر از طبقه‌بندی جامع انواع وجه‌ها و نموده‌ها نک. Bhat، 1999 و داوری، ۱۳۹۳.
۴. یعنی تمایز میان زمان گذشته (past tense) و زمان غیرگذشته (non-past tense).
۵. گویش کُرته در نظام گذشته خود از دو نوع نشانه فاعلی مجزا؛ شناسه‌های فاعلی (برای افعال لازم) و واژه‌بست‌های فاعلی (برای افعال متعدی) برای نمایش مطابقه فعل - فاعل بهره می‌گیرد که در قسمت ۲-۳ (مطابقه) به آن پرداخته شده است.
۶. تکواژهای گذشته‌ساز در گویش کُرته عبارت‌اند از: $-t$ ، $-et$ و $-at$.

۷. در بررسی کاربردهای گذشته در این گویش، پیرو نظریات رده‌شناختی کامری (۱۹۸۵: ۱۶-۲۳) درباره کاربردهای زمان گذشته در زبان‌های جهان بوده‌ایم.
۸. در قسمت ۱-۲ (الف-۱) بحث شد.

فهرست اختصارات

auxiliary verb	فعل کمکی	کم	first person	اول شخص	۱
past tense	زمان گذشته	گذ	second person	دوم شخص	۲
Singular	مفرد	مف	third person	سوم شخص	۳
Locative	قید مکان	مک	proper name	اسم خاص	ا.خ
past perfect marker	نشانه گذشته کامل	گک	progressive marker	نشانه استمرار	اسد
possessive pronoun	ضمیر ملکی	مل	subjunctive mood marker	نشانه وجه التزامی	ال
infinitive marker	نشانه مصدری	مص	imperative mood marker	نشانه وجه امری	ام
Hiatus	میانجی (میان‌هشت)	میج	Diminutive	نشانه تصغیر	تص
past participle marker	نشانه صفت مفعولی	صم ف	comparative degree marker	نشانه صفت تفضیلی	تف
indefinite article	نشانه نکره	نک	verbal prefix	پیشوند فعلی	پفع
prohibition marker	نشانه نهی	نهی	emphatic morpheme	تکواژ تأکیدی	تأ
subject clitic	واژه‌بست فاعلی	وف	Plural	جمع	جم
verbal clitic	واژه‌بست فعلی	وفع	present tense	زمان حال	حا
object clitic	واژه‌بست مفعولی	ومف	copula	فعل ربطی	رطب
			negation marker	نشانه نفی	نف

منابع

- داوری، ش. ۱۳۹۳. «نمود تکمیلی در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، (۷): ۱۶۹-۱۹۱.
- دری، ن. و م. خیراندیش، ز. مریدی. ۱۳۹۲. «توصیف ساختمان فعل در گویش کوه‌شهری». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، (۴): ۶۲-۸۸.
- سلیمانی، آ. و ف. حق‌بین. ۱۳۹۵. «زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه». جستارهای زبانی، (۲): ۲۴۵-۲۶۲.
- مطلبی، م. ۱۳۸۵. «فعل در گویش رودباری (کرمان)». مطالعات ایرانی، (۹): ۱۹۱-۲۱۲.

محمدی‌نیا، م. ۱۳۷۳. *واژگان گویش کُرتَه متداول در قلعه‌گنج کهنوج همراه با تحلیل واجی، ساخت‌واژه‌ای، معنایی و منظورشناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

Ahangar, A. A. 2007. "A description of Verbal Sytem in Sarhaddi Balochi of Granchin". *Orientalia Suecana*, (56): 5-24

Anderson, G. D. S. (2006). *Auxiliary Verb Constructions*, England: Oxford University Press.

Axenov, S. 2006. *The Balochi language of Turkmenistan*, Sweden: Uppsala University Press.

Bauer, L. 1983. *English Word-Formation*, Cambridge: Cambridge University Press.

Bhat, D. N. S. 1999. "The Prominence of Tense, Aspect and Mood". *Studies in language Companion series*, 49.

Booij, G. 2007. *The Grammar of Words*, New York: Oxford University Press.

Comrie, B. 1976. *Aspect*, London: Cambridge University Press.

—————. 1985. *Tense*, London: Cambridge University Press.

Givon, T. 2001. *Syntax: An Introduction. Vol I*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

Haspelmath, M. & A. D, Sims. 2010. *Understanding Morphology*, England: Hachette UK Company.

Katamba, F. & S, John. 2006. *Morphology*, New York: Palgrave Macmillan.

Palmer, F. R. 2001. *Mood and Modality*, Cambridge: Cambridge University Press.

Payne, T. E. 2006. *Exploring Language Structure*, Cambridge: Cambridge University Press.

Penner, K. M. 2015. *The verbal system of the Dead Sea scrolls*, Boston: Brill.

Tallerman, M. 1998. *Understanding Syntax*, London: Hodder Arnold.

—————. 2011. *Understanding Syntax*, London: Hodder Education.

Trask, R. L. 2007. *Language and Linguistics, the Key Concepts*, 2nd Ed. London: Routledge.